

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

قاسم باز  
۰۸ جون ۲۰۲۰

## به جواب یک عده از یاوه سرایان، باندیست های امینی، رشوتخواران اختلاسگر، جاسوسان و نوکران "آی. اس. آی." و "سیا"!

جواب قاسم باز به یک عده از یاوه سرایان، یک عده خاینان ملی و وطنفروشان بی نظیر، به یک عده جاسوسان "سیا" و آی. اس. آی. و تشنگان قدرت، و بالاخره به یک عده سلطنت پرست با غیرت؟! مکار، عیاش، رشوتخوار، اختلاس گر، و بالاخره به یک عده فرزندان اختطافچی اعلیحضرت غازی "امان الله خان" شاه بی بدیل افغانستان. بی احترامانه می نگارم، فرد وقتی به کسی احترام می کند که قابل احترام باشد، به رشوتخواران، دروغگویان، تهمت گرایان، اختلاس گر، احترام هیچ فایده ندارد چرا که صفات احترام در وجود آنها دیده نمی شود و اگر به این گونه افراد به کلمات مؤدبانه نگاشته شود عین معنای بی احترامی به شخص نویسنده می باشد. من در چندین نوشته قبلی خود در طول چندین سال گذشته نوشتم. این که:

من و فامیلم به جاروب کشی، پیش خدمتی، دروازه بانی، یآوری، ناظری، مشاوری، معاونیت دفتری و غیر دفتری شهید سردار محمد داوودخان و مرحوم سردار محمدهاشم خان صدراعظم افتخار چی که می بالیم. چون نمک وی را صادقانه خوردیم و امروز حق آن نمک شناسی را به افتخار ادا می کنم. دلم به حال آنعده بیچاره های یتیم بی پدر می سوزد که امروز سنگ فدائی بودن ظاهرشاه را به سینه می زنند در حالی که در طول چهل سال قبل و گذشته خدمتگذاران و مداحان حکمتیار، مسعود، دوستم، خلیل الله خلیلی، پیر و حضرت بودند.

جای تعجب در اینست که امروز یگان باندیست امین، تره کی هم ناجی ظاهر شاه می شود. آنهایی که مخالفان سیاسی خود را به نامهای پسر ناظر، چاکر، پیش خدمت یاد می کنند در حقیقت آنها افرادی هستند که در قدم اول از تربیه سالم فامیلی محروم اند و در کوچه و بازار همراه هم سویه های شان تغذیه و کلان شده اند. ایمان کامل دارم اگر آنها تربیه می داشتند هیچ گاه در مشاجرات سیاسی به این اندازه سقوط اخلاقی نمی کردند.

**کاسه چینی که صدا می کند خود صفت خویش اداء می کند.**

من شخصاً به این گونه اشخاص جواب بالمثل می دهم وقتی که بار اول از آنها بشنوم. من به آنانی که به احترام می نویسند به احترام می نویسم ولی به عکس به آنهایی که از چوکات ادب خارج می شوند، به مثل خود شان برایشان می نویسم.

خوب در اینجا می‌خواهم غرض آگاهی آن یاره سرایان بی‌وجدان که عمر شان در افترا، خیانت، رشوت، اختلاس و نوکری به بیگانگان سپری شده در باره خود و فامیلم این چند جمله ذیل را به جواب شان بنویسم:

آیا واقعاً پدر شهید مرحوم بازمحمدخان ناظر، پیش خدمت چاکر و نوکر شهید والامقام سردار محمد داوودخان بود؟ چندی قبل یک شخص فاسد پیش کرده فامیل ملکیار و دوستان ملال موسی نظام در فیسبوک نوشته بود که وظیفه پدر قاسم باز همراه سردار محمد داوودخان ناظری بود. اصل مطلب.

### جواب قاسم باز.

ناظر اصلی تمام دارائی، جایداد، زمین، باغها، مصرف پول و دارائی موروثی شهید داوودخان که از آن واریسی و سرپرستی می‌کرد شخصی به نام محترم کریم خان ناظر که مانند مرحوم داوودخان موهای سر خود را می‌تراشید، برادرزاده سکه جناب داکتر "عثمان انوری" سابق وزیر معارف و بعداً وزیر صحیه افغانستان و در ضمن مامای محترم پروفیسور داکتر "عبدالقدیرامیریار" صاحب بود، پدر شهید و مرحوم "بازمحمدخان منگل" در یک معامله پولی چی زمین باشد چی باغ یعنی دارائی منقول و غیر منقول و مسایل خرید و فروش املاک و غیر املاک مرحوم داوودخان کاری نداشت.

اگر می‌خواهید بهتر بدانید، لطفاً از جناب محترم "امیریار صاحب" که با فامیل شما ارتباطات خویشاوندی دارد مراجعه نمائید و بپرسید، پدرم از زمان جنگ استقلال تا خاموشی بغاوت سقاوی به شخص شهید نادرخان، و سردار محمد هاشم خان شناخت و ارتباط داشت، بعد از شکستادن بغاوت سقاوی وقتی که سردار محمد هاشم خان صدراعظم می‌شود پدرم تمام امور دفتر سکرتیریت وی را پیش می‌برد، چون هاشم خان زن نداشت وی از پدرم در آنوقت می‌خواهد تا دو سه جوان که در امور منزل بلدیت داشته باشد برای تنظیم امور خانه و منزل شخصی وی پیدا کند، همان بود که پدرم در آنوقت به یکی از هتل‌های دولتی آنوقت که برای اقامت مهمانان خارجی تهیه شده بود می‌رود. رئیس آن هتل، سه جوان را که آنها به حیث گارسون در آنجا کار میکرد به پدرم معرفی می‌نماید، این سه جوان عبارت بودند هر یک محمد رحیم خان پنجشیری بعداً مصاحب حضور اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، محمد کریم خان برادرزاده مرحوم داکتر محمد عثمان خان انوری بعداً وزیر معارف و وزیر صحیه، و حاجی ملاگل تگابی. پدرم آنها را به معاش بلندتر از هتل به منزل سردار محمد هاشم خان برده آنها در آنجا در منزل شخصی سردار محمد هاشم خان به حیث پیش خدمتان درون منزل هاشم خان مقرر و به کارهای روز مره گماشته می‌شوند.

قبل از مرگ هاشم خان از این جمله پیش خدمتان چون محمد رحیم خان پنجشیری جوان ذکی بود اعلیحضرت از سردار محمد هاشم خان صدراعظم خواهش می‌نماید که محمد رحیم خان را برای ما بدهید، وقتی که هاشم خان فوت می‌کند اعلیحضرت ظاهرشاه، محمد رحیم خان پنجشیری را با خود به ارگ می‌برد. باقی مانده دو نفر دیگر مرحوم ناظر کریم خان و حاجی ملاگل تگابی همراه داوودخان می‌مانند. وقتی که هاشم خان می‌میرد پدرم از وظیفه دولتی که همراه هاشم خان داشت دست می‌کشد، در این وقت نظر به وصیت مرحوم هاشم خان که به پدر کرده بود و امروز شکر تا حال یک تعداد اعضای خاندان سلطنتی موجود است که سخن بنده را تأیید نمایند، که بعد از مرگم، داوودخان و نعیم خان که برادرزاده های سکه وی بودند را تنها نگذارید پدرم هم همانطور اعتمادی که هاشم خان بالای وی داشت به همراهِ داوودخان به حیث یاور ملکی یا شخص بسیار اعتمادی می‌ماند، بعد از استغفای مرحوم داوودخان از مقام صدارت حاجی ملاگل تگابی داوودخان را در مقابل وظیفه علاقه داری، رها می‌نماید و پشت راه خود می‌رود. چون برای محمد داوود خان از کاکایش زیاد جایداد به ارث رسیده بود مرحوم داوودخان غرض واریسی جایداد های خود این وظیفه را به ناظر کریم خان می‌سپارد. کریم خان ناظر هم تا روز هفت ثور سال ۱۳۵۷ همراه داوودخان می‌ماند، بعد

از پیروزی کودتای هفت ثور کریم خان ناظر همراه درویش خان وردگ چایدارباشی منزل شخصی داوودخان برای چند روز بندی شدند و بعد از یکماه کم و بیش آنها از زندان رخصت می شوند تا این که چند سال قبل مرحوم کریم خان ناظر در کانادا به مرگ طبیعی فوت نمود.

حالا من از شما می پرسم که شما به کدام دلیل و کدام مدرک پدرم را ناظر مرحوم داوودخان خطاب می کنید، آیا کسی پیدا کرده می توانید که وی بگوید مرحوم باز محمدخان بالای آنها کدام زمین، جایداد داوودخان را فروخته و یا به اجاره داده باشد، مهربانی کنید واضح سازید. منتظر جواب شما هستم.

Hajee Mesbahullah Noori

با تأیید یادداشت های قاسم جان باز.

من از دوهم بریدمنی الی سقوط رژیم داوود خان در لوای گارد جمهوری بودم در عقب خانه شخصی شهید محمد داوود خان يك تعمیر بود که در این تعمیر تولی ما قرار داشت و قومندان آن تولی قاسم خان وردک بود.

این جانب به حیث ضابط که دوهم بریدمن بودم ایفای وظیفه می نمودم در همین تعمیر اتاق خواب شهید عبدالمجید خان باز هم بود اکثر وقت در همین اتاق بعد از رسمیات می بود از طرف شب ناظر کریم خان و یا غلام درویش خان برای مجید خان باز غذای شب را می آوردند که در شب های نوکری ما هم از این نان با مجید جان یکجا استفاده می کردیم.

از منزل مسکونی شهید سردار محمد داوود خان به داخل ارگ يك دروازه خرد چوبی موجود بود که همین دروازه راه رفت و آمد داوود خان به دفتر کارش بود که در گل خانه موقعیت داشت از طرف صبح قومندان گارد به نزدیک همین دروازه می آمد. شهید داوود خان را تا دفتر کارش همراهی می نمود از طرف عصر عبدالمجید خان باز داوود خان را الی داخل اقامت گاهش همراهی می نمود و ما تشریفات رفت و آمد داوود خان را اجراء می نمودیم.

با تأیید تحریر فوق من با ناظر کریم خان و غلام درویش خان و سر یاور صاحب مجید خان آشنائی و معرفت کامل داشتم که وظایف اینها چی بود باز محمد خان منگل در امور قومی يك همکار و مشاور صادق داوود خان بود داوود خان يك کتاب بزرگ از یادداشت هایش با خود داشت که در این کتاب اسمای سران اقوام مختلف بود این کتاب را من چندین بار به دست باز محمد خان منگل دیده ام ملاقات ها و صحبت های سران اقوام را با شهید داوود خان تنظیم می نمود. در نتیجه باید گفت که شهید باز محمد خان منگل يك مشاور صديق در عرصه فرهنگی شهید داوود خان بود داوود خان قبل از شهادت خود جایداد های میراثی خود را به همه همکارانش به شمول ناظر کریم خان و غلام درویش خان تقسیم و توزیع نمود. خداوند کریم و رحیم جنت فردوس نصیب همه شهداء نماید که رفاقت این یارانش تا لب گور بود در داخل گور (قبر) کسی با کسی یاری کرده نمی تواند از این گفته های خود اسناد هم دارم کسی که در مورد کسی معلومات نداشته باشد باید پاره گوئی نکند. قاسم جان هم باید با هر کس که نمی داند با نادان مباحثه نکند. با نادان مباحثه کردن آب دادن به گل مصنوعی است.

با احترام.....

Kabir Omar

مرحوم باز محمد خان ناظر شهید داوود خان نبود بلکه دوست سابقه دار و قابل اعتبار و اعتماد شان بود، مرحوم کریم خان کاکای مرحوم عثمان خان انوری و داماد مرحوم نورمحمد خان تره خیلی سابق رئیس قبائل در زمان نادر شاه بود که از املاک شهید داود خان نظارت و بررسی می کرد.

تمام کودتاها به زور برچه و تفنگ اجراء می گردد نه به جان و قربان، این که شما می گوئید که کودتای ۲۶ سرطان توسط هواخواهان حزب دیموکراتیک به وقوع پیوسته دور از حقیقت است این گونه تبلیغات صرف از افراد عقده ئی که منافع خود را با پیروزی تحول ۲۶ سرطان از دست داده اند، است. در شب کودتا ۲۶ سرطان نه غلام حیدر رسولی، نه سید عبدالاله، نه قدیر نورستانی، نه غوث الدین فایق، نه سرور نورستانی، نه پاچا گل وفادار، نه ضیاء مجید و نه پدرم بازمحمدخان منگل هیچ یک عضویت حزب دیموکراتیک خلق را نداشتند.

پاچا گل وفادار به خاطر داشتن خانم خارجی از وظیفه وزارت کنار زده شد. داکتر محمد حسن شرق به خاطر دوستی و هم صنفی بودن بعضی از دوستان شخصی او که در حزب خلق و پرچم داشت از وظیفه معاونیت اول صدارت به حیث سفیر به کشور جاپان فرستاده شد. این افراد فوق الذکر سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان بودند، تنها فیض محمد وزیری عضو مخفی حزب پرچم بود، زیرا در زمان سلطنت هیچ افسر نظامی نمی توانست علنی عضویت حزبی داشته باشد به همین خاطر نه داوودخان و نه دیگر سرگروپهای تحول ۲۶ سرطان از عضویت وی در حزب پرچم واقف نبودند.

یک عده افراد کودتا چی ۲۶ سرطان بعد از تحول ۲۶ سرطان عضویت حزب پرچم و خلق را کسب نمودند، عبدالحمید محتاط عضو حزب گروه کار ستم ملی بود که بعدها به حزب دیموکراتیک خلق جذب شده، عبدالقادر و ضیاء مجید نیز بعد از تحول ۲۶ سرطان به حزب دیموکراتیک جذب شده بودند. پس به این تشریح مختصر این ادعای شما که در تحول ۲۶ سرطان اعضای حزب دیموکراتیک سهیم بودند یک ادعای پوچ و میان تهی ست.

محمد خان جلالر وزیر مالیه، داکتر نعمت الله پژواک وزیر داخله، وزیران با قدرت دوران شیطانی و لنگ لنگان دهه دیموکراسی؟ صدارت مرحوم شهید محمد موسی شفیق و نظام سلطنتی بودند، جیلانی باختاری در زمان سلطنت رئیس احصائیه بود، فیض محمد وزیری، ضیاء مجید، نبی عظیمی، صاحب جان خان، حبیب الله زرمی و... صاحب منصبان بسیار اعتمادی و معتمد جنرال سردار عبدالولی بودند، جنرال عبدالولی آنها را به نام فرزندان خطاب می نمودند، تا زمانی که آنها از سلطنت دفاع می کردند افراد خوب وطنپرست و مسلمان بودند ولی وقتی که آنها نظام سلطنت را سرنگون کردند آنها افراد بد و کمونست شدند. افسوس به این قضاوت شما.

این را هم فراموش نکنید که تهداب احزاب خلق، پرچم، اخوان، در دهه نام نهاد دیموکراسی بعد از استعفای سردار محمد داوودخان از وظیفه صدارت در دهه نیم بند دیموکراسی گذاشته شد.

عجب این که در شام ۲۶ سرطان رادیو پاکستان اعلان می کند که داوودخان با همکاری حزب دیموکراتیک خلق کودتا کرد، در حالی که تا شام ۲۶ سرطان هیچ کس در افغانستان نمی دانست که سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان کیهانند، این تبلیغات سلطنت پرستان باغیرت بودند که به یک صدا دریش، دستهای خود را به طور تسلیمی به هوا بلند نمودند، اگر در آنشب پاکستان، ایران و یا روسیه کودتا می کرد این با شهامت های وطن؟ بدون چون و چرا تسلیم می شدند. در اخر باید به این یاوه سرایان درباری و با غیرت گفت:

این مقالات ذیل هموطنان گرانقدر ما است که آنها هیچ گونه ارتباط فامیلی و وظیفه ئی به شهید داوودخان نداشتند هر یک فرزند فرزانه کشور به اسم (محمد شریف منصور) مقاله دارد تحت عنوان (( مکتبی بر مقاله "عواقب کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲" داکتر نور احمد خالدی )) و هموطن نازنین دیگر به اسم آقای رفعت حسینی نیز مقاله دارد زیر عنوان (محکوم نمودن بیخردانه محمد داوود). باور کامل دارم بعد از خواندن این نبشته های پر محتوا به اصل حقیقت شهید داوودخان و علل تحول ۲۶ سرطان پی خواهید برد. اگر کس در خانه است همین قدر بس است. / ۶/۶/۲۰۲۰